

ممنوعیت حبس زوج معسر در پرداخت مهریه با رویکرد تحکیم خانواده

عاتکه قاسم‌زاده* علی‌اکبر ایزدی‌فرد** سعید ابراهیمی***

■ چکیده

ضمانت اجرای حبس زوج در مواردی که زوج به علت اعسار نمی‌تواند مهریه را بپردازد، یکی از مشکلاتی است که می‌تواند به روابط زوجین آسیب بزند تا جایی که در برخی موارد موجبات فروپاشی خانواده را فراهم کند. در مقابل، پرداخت صحیح و به‌موقع مهریه می‌تواند به تحکیم این روابط بی‌انجامد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا طبق فقه امامیه، «قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱» و «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴» حبس بدوی زوج مدعی اعسار از پرداخت مهریه جایز است؟ وضعیت حبس زوج معسر چگونه است؟ براساس نتایج به‌دست آمده از کتب فقهی، رسیدگی به دعوی اعسار فوری بوده و حبس معسر جایز نیست، همچنین ذیل مباحث خانواده در کتب فقهی برای مهریه ضمانت اجرای حبس مطرح نشده است. در قوانین مذکور نیز تنها در موارد اثبات نشدن اعسار با وجود سابقه‌ی ملائت یا در موارد اثبات ایسار زوج، حبس وی مقرر شده که با فقه امامیه سازگار است.

■ واژگان کلیدی

ضمانت اجرا، مهریه، اعسار، روابط زوجین، قانون حمایت خانواده.

*. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

(u.ghasemzade@gmail.com)

** استاد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (ali85akbar@yahoo.com)

*** استادیار رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (s.ebrahimi@amz.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

با توجه به فرهنگ کنونی جامعه‌ی ایرانی که زوجه در موارد بروز اختلاف اقدام به مطالبه‌ی مهریه می‌کند، یکی از موضوع‌هایی که می‌تواند تهدیدی برای تحکیم خانواده‌ها محسوب شود، ضمانت‌اجرای حبس برای مهریه‌هایی است که به‌دلیل اعسار زوج پرداخت آنها امکان‌پذیر نیست و در موارد بسیاری به حبس زوج می‌انجامد، درحالی‌که حبس زوج معسر در پرداخت مهریه جایز نیست.

در سال‌های اخیر، قوانینی برای کاهش زندانیان مهریه تصویب شده است، اما آمارهای موجود و اذعان دست‌اندرکاران حاکی است که آمار زندانیان مهریه تغییر نکرده است (وبگاه دیدبان^۱، ۱۳۹۵/۶/۳۰؛ وبگاه ستاد دیه^۲، ۱۳۹۵/۶/۳۰ و ۱۳۹۷/۱۰/۲۰).

در سال ۱۳۹۴، قانون «نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» اصلاح شده است، اما طی چهار سال گذشته نه تنها تغییر مثبتی در آمار زندانیان مهریه مشهود نیست، بلکه آمار آنها افزایش هم یافته است. هرچند که وضعیت اقتصادی و نوسانات سکه در این خصوص بی‌تأثیر نبوده، با این حال باید دید کارکرد قانون جدید و وضعیت اجرای آن در مسیر کاهش آمار زندانیان مهریه چگونه است؟ در این مقاله، با نظر به اهمیت تحکیم خانواده و تصویب قوانین جدید سؤال این است که آیا طبق فقه امامیه و قوانین موضوعه کنونی حبس بدوی زوج مدعی اعسار از پرداخت مهریه صحیح است؟ آیا پس از اثبات اعسار زوج، اعمال حبس درباره‌ی وی جایز است؟ حبس زوج معسر در چه شرایطی امکان‌پذیر است؟ با عنایت به قانون «نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴» بار اثبات اعسار برعهده‌ی کدام یک از زوجین است و چه تأثیری در دعوای اعسار دارد؟ و درنهایت باتوجه به تأثیر منفی حبس زوج در ادامه‌ی زندگی مشترک، به این پرسش نیز پاسخ خواهد داد که آیا قانون جدید حمایت خانواده در مسیر تحکیم روابط زوجین حرکت مثبتی داشته است یا خیر؟ قبل از ورود به اصل بحث از باب مقدمه باید دید که ضمانت‌اجراهای پرداخت مهریه در حقوق ایران کدام است و کدام یک از آنها ذیل موضوع این مقاله قرار می‌گیرد.

براساس حقوق ایران، برای وصول مهریه سه ضمانت‌اجرا متصور است: اول، حق حبس زوج؛ دوم، توقیف اموال و صدور اجرائیه و انجام‌دادن اقدامات اجرایی که هم از طریق دفترخانه‌های اسناد رسمی و هم از طریق دادگاه امکان‌پذیر است؛ سوم، تقاضای حبس محکوم‌علیه (زوج) از سوی زوجه.

1. <http://didban.ir/fa/news-details/35857>.

2. <http://www.ipro.ir/fa/news>.

نظر به اینکه موضوع بررسی شده، مختص مهریه‌های غیرقابل پرداخت است، دو ضمانت اجرای اول به لحاظ موضوعی در این مقاله جای ندارد؛ چرا که در ضمانت اجرای اول و دوم هر دو فرض امکان پرداخت و عدم امکان پرداخت مهریه متصور است و پرداخت نشدن مهریه هم اشکال آنچنانی که بتواند تحکیم خانواده را زیر سؤال ببرد پیش نمی‌آورد؛ لذا فقط می‌توان ضمانت اجرای سوم یعنی حبس زوج به درخواست زوجه را بحث کرد.

لازم به ذکر است که مسئله‌ی این مقاله درباره‌ی اعسار، از زمان ادعای اعسار تا اثبات آن است.

۲. اعسار زوج در زمان مطالبه‌ی مهریه در فقه امامیه

اعسار زوج در زمان مطالبه‌ی مهریه را می‌توان در دو بحث بررسی کرد: یکی اعسار مدیون مالی به‌طور مطلق و دیگری اعسار زوج؛ به این معنا که در مبحث اول وضعیت «معسر بما هو مدیون» و در مبحث دیگر وضعیت «معسر بما هو زوج مدیون» در مهریه‌ای که امکان پرداخت آن را ندارد، بررسی خواهد شد و سپس با جمع مطالب در هر دو بحث، نتیجه‌ی نهایی مشخص می‌شود.

۱-۲. وضعیت مدیون معسر به‌طور مطلق

مباحث متعددی در کتب فقهی درباره‌ی مدیون معسر وارد شده است که هریک این مطلب را به دست می‌دهند که حبس معسر صحیح نیست:

الف- حرمت مطالبه‌ی دین از معسر

بسیاری از فقها به حلال نبودن مطالبه‌ی دین از معسر حکم داده‌اند (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۳۱۲؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۰۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۳۰). حتی صاحب مفتاح/الکرامه در تحریم مطالبه از معسر ادعای عدم خلاف کرده است؛ به این ترتیب وقتی مطالبه جایز نباشد، به طریق اولی حبس جایز نخواهد بود (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ص ۵۸). امام خمینی (ره) در عین حکم به تحریم حتی انظار (به‌معنای امهال) و به تأخیر انداختن دین را نیز واجب دانسته است (موسوی خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۵۱). در این باره به اجماع نیز استناد شده (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۷، ص ۱۹۹ و ۳۱۵) و در کتب حقوقی نیز به این حکم اشاره شده است (امامی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۹۵).

در غالب موارد زوجه نسبت به توانایی یا ناتوانی مالی همسر مطلع است؛ بنا بر آنچه که گذشت در موارد اطلاع زوجه از وضعیت زوج، مبنی بر اعسار از پرداخت مهریه، مطالبه‌ی مهریه حرام و انظار وی واجب است و دیگر نوبت به دادگاه و سایر مباحث نمی‌رسد.

ب- وجوب فوری سماع بینه بر اعسار

فقههای امامیه بر وجوب سماع بینه بر اعسار فی الحال فتوا داده‌اند. توافق بر این حکم به حدی است که شیخ طوسی و ابن زهره به اجماع استدلال کرده‌اند (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۲۷۵؛ حسینی حلبی (ابن زهره)، ۱۴۱۷: ۲۴۹؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۵۲۸؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۲۹۵). از این حکم می‌توان چنین نتیجه گرفت که ادعای اعسار باید فوری بررسی شود و دیگر نوبت به حبس بدوی مدعی اعسار نخواهد رسید تا در زمان بعدی وضعیت اعسار وی مشخص شود.

ج- عدم حلیت شهادت علیه معسر

چنانچه شخص از اعسار مدیون مطلع باشد، اجازه‌ی شهادت بر وجود دین علیه وی را ندارد (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۰: ۳۲۹). ابن‌ادریس معتقد است، اگر انسان برای اقامه‌ی شهادت خوانده شود در هیچ وجهی امتناع از شهادت جایز نیست، مگر اینکه بداند اقامه‌ی شهادت او به یک مؤمن ضرر غیرمستحقی را وارد می‌کند؛ مانند آنجایی که برعهده‌ی فرد دینی وجود دارد، اما وی معسر است و اگر شهادت بر دین داده شود حاکم وی را حبس می‌کند، در این حالت اقامه‌ی شهادت جایز نیست (حلی (ابن‌ادریس)، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۳۱). اگر شهادت بر وجود دین بر ذمه‌ی مدیون معسر حرام دانسته شده چگونه می‌توان بر حبس معسر حکم کرد!

فرض حبس مدیون در این بخش از کلام به دو مطلب - که در آینده خواهد آمد - بازمی‌گردد: یکی، مالی بودن معامله‌ای که در آن فرد مدیون شده و در زمان پرداخت، ادعای اعسار کرده است که درباره‌ی زوج منتفی است^۱ و دوم، ملائمت سابقه داشتن مدیون است که در غالب زوج‌های جوان منتفی است. در فرض ملائمت سابقه نیز چنانچه بینه بر تلف نداشته باشد، به حبس مدیون حکم می‌شود تا اعسار یا امتناع مشخص شود؛ لذا این کلام ابن‌ادریس حلی را نباید به معنای جواز حبس بدوی همه‌ی مدیون‌ها دانست.

د- عدم جواز حبس بعد از اثبات یا ظهور اعسار

چنانچه حال فرد ظهور بر اعسار داشته باشد یا اعسارش در دادگاه ثابت شود به واسطه‌ی دین حبس نمی‌شود (حلی (ابن‌ادریس)، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۶۰؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۸۳ و ج ۴، ص ۷۵؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۰۰؛ همو، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۵۲۸؛ همو، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۱۰۲ و ۱۵۳؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۳۱۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۳۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۰، ص ۴۱۲؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۲۹۵؛ تبریزی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۹۰). برخی از فقها در این باره ادعای اجماع

۱. چون عقد نکاح یک قرارداد مالی محسوب نمی‌شود.

و عدم خلاف کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۵، ص ۳۵۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۷، ص ۱۹۹ و ۳۱۵؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ص ۵۸).

هـ- کیفیت تأثیر سبب دین در حبس بدوی معسر

مشهور فقها برای حکم به حبس بدوی مدیون به سبب دین یا وضعیت سابق وی استناد می‌کنند در این حالت سه صورت متصور است:

اول، اگر سبب دین^۱ مال باشد قول به اعسار قبول نیست، باید تلف مال با بینه ثابت شود. در غیر این صورت، قول طلبکاران با سوگند مقدم خواهد شد و مدعی اعسار به علت امتناع از پرداخت دین تا اثبات اعسارش حبس می‌شود. با توجه به اینکه سبب دین در بحث مهریه مال نیست، این قسم خارج از موضوع این مقاله است.

دوم، اگر سبب دین مال نباشد - مانند مهریه یا نفقه‌ی زوجه یا تلف مال غیر - دو صورت محتمل است:

صورت نخست اینکه در گذشته مالی - مثلاً از طریق ارث - به مدعی اعسار رسیده باشد، در این حالت قول به اعسار قبول نمی‌شود، زیرا اصل بر وجود مال است، حال اگر مدعی اعسار بر تلف مال، بینه حاضر کند، اعسار وی قبول می‌شود و گرنه زوج تا اثبات اعسار حبس می‌شود.

صورت دوم اینکه در گذشته مالی برای معسر وجود نداشته است و طلبکار بینه‌ای بر اثبات قول خود ندارد، قول مدعی اعسار بدون تکلیف به احضار بینه با سوگند پذیرفته می‌شود (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۵: ۸۲ و ۱۹۳؛ طوسی (شیخ)، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۹۲؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۱۶؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۰۰؛ همو، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۵۲۷ و ج ۵، ص ۱۲۳؛ همو، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۵۳؛ نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ص ۱۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۶۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۵۷۸؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۸۳). در این حالت سوگند لازم است، زیرا ممکن است فرد مالی داشته باشد (حلی (ابن ادریس)، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۱).

فقها چهار دلیل را نام می‌برند که در صورت وجود هر یک از این ادله اعسار اثبات شده و مدعی اعسار حبس نمی‌شود:

۱) علم قاضی (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰: ۹۰؛ نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ص ۱۸۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۴۱۲). شیخ انصاری در رابطه با این وجه می‌فرماید: «اکتفا به ظن حاکم به اعسار خالی از قوت نیست» (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۰۱).

۱. سبب دین می‌تواند قراردادی و یا قهری باشد.

۲) اثبات اعسار با بینهی مطلع از باطن زندگی مدعی اعسار (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰: ۹۰؛ انصاری (شیخ)، ۱۴۱۵: ۲۰۱؛ نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ص ۱۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۶۷).

۳) تصدیق اعسار مدیون از سوی دائن (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰: ۹۰؛ انصاری (شیخ)، ۱۴۱۵: ۸۲ و ۱۹۳؛ نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ص ۱۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۶۷).

۴) سبب دعوا غیرمالی باشد و بر اعسار قسم بخورد [و البته در گذشته مالی برای او شناخته شده نباشد] (انصاری (شیخ)، ۱۴۱۵: ۸۲ و ۱۹۳؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۵۲۷ و ج ۵، ص ۱۲۳؛ همو، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۵۳؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۱۶؛ نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ص ۱۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۶۷).

عدم جواز حبس معسر تا بدانجاست که شیخ طوسی برای مثال حبس به غیر حق، به حبس معسر مثال می‌زند (طوسی (شیخ)، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۰۹).

و- تردید قاضی بر اعسار

در موردی که امر بر قاضی مشتبه شود نیز همانند مورد قبل عمل می‌شود، به این معنا که اگر برای مدیون مدعی اعسار مالی شناخته شده وجود داشته است یا سبب دعوا مالی بوده است، حبس می‌شود تا اعسارش ثابت شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۵، ص ۳۵۴). در غیر این صورت -عدم ملائت سابقه و مالی نبودن سبب دعوا- بر فقر قسم می‌خورد. اگر از سوگند نکول کند، مدعی بر توان مالی وی قسم می‌خورد و مدعی اعسار حبس می‌شود (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۴۳۸).

به این ترتیب، می‌توان گفت، در صورتی که وضعیت اعسار زوج مشخص نشد، می‌توان از این طریق از حبس تعدادی از افراد جلوگیری کرد. این مطلب در ماده (۷) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نیز مقرر شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۲. وضعیت زوج معسر در مباحث خانواده

وضعیت زوج معسر در هنگام مطالبه‌ی مهریه ذیل دو مبحث از مباحث خانواده بررسی می‌شود: یکی ذیل بحث مهریه به‌طور خاص و دیگری ذیل سایر دیون مربوط به امور مالی زوجه. قبل از ورود به مباحث، لازم به یادآوری است که نظر به اهمیت خانواده و تحکیم این نهاد از دیدگاه اسلام، ضمانت‌اجراه‌های مطرح در مسائل خانواده باید بر پایه‌ی گرایش‌های عاطفی خانواده، حفظ آرامش و تحکیم آن باشد.

۲-۱-۲. وضعیت زوج معسر هنگام مطالبه‌ی مهریه

اگر در مقابل دینی که برعهده‌ی شخص است مالی دریافت نشده، قول وی مبنی بر اعسار با سوگند پذیرفته می‌شود. مهریه‌ی همسر از جمله دیونی است که در مقابل آن مالی دریافت نشده است؛ لذا قول زوج با سوگند پذیرفته می‌شود (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۷۱). حال معسر در پرداخت مهریه باید رعایت شود و به وی مهلت داده شود تا وسعت روزی پیدا کند و برای زوج حقی فسخ نکاح وجود ندارد (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۱۱؛ همو، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۳۸). البته برخی نیز به فسخ نکاح قائل‌اند که دلایلشان در فقه امامیه رد شده است (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۱۸، حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۱۱، اصفهانی (فاضل هندی)، ۱۴۱۶: ج ۷، ص ۵۸۹).

۲-۲-۲. وضعیت زوج معسر هنگام مطالبه‌ی سایر دیون از سوی زوجه

بحث مطالبه‌ی سایر دیون از سوی زوجه از این جهت اهمیت دارد که مهریه نیز دین محسوب می‌شود و می‌توان از طریق بررسی سایر دیون به کیفیت برخورد با زوج در امور مالی دست یافت. در کتب فقهی تنها در بحث نفقه به موضوع اعسار زوج پرداخته شده است و در سایر دیون مانند اجرت‌المثل کارهای انجام شده به دستور زوج و... اعسار مطرح نشده است.

۲-۲-۲-۱. وضعیت زوج معسر هنگام مطالبه‌ی نفقه

فقه‌ها درباره‌ی اعسار در پرداخت نفقه به اموری همچون فسخ نکاح، عدم نیاز به اذن برای خروج از خانه، پرداخت نفقه‌ی زمان اعسار بعد از دارا شدن و لزوم ادای قرضی که زوجه برای نفقه دریافت کرده است و... حکم داده‌اند که فقط مورد اول یعنی فسخ نکاح، ضمانت اجرای پرداخت نشدن نفقه است که از سوی فقه‌های امامیه رد شده است و نمی‌توان آن را به بحث مهریه تسری داد. به‌علاوه اهمیت و جایگاه نفقه با مهریه متفاوت است، زیرا بدون مهریه زندگی زوجه مختل نمی‌شود، اما بدون نفقه -در صورتی که زوجه نیز مالی از خود نداشته باشد- ادامه‌ی زندگی وی با مشکل روبه‌رو می‌شود.

الف) فسخ نکاح

شیخ طوسی در کتاب خلاف چنین می‌فرماید: «در صورت اعسار زوج از پرداخت نفقه برخی به حق فسخ زوجه حکم کرده‌اند، اما از نظر امامیه زوجه حق فسخ ندارد» (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۱۱، اصفهانی (فاضل هندی)، ۱۴۱۶: ج ۷، ص ۵۸۹)، بلکه تکلیف وی این است که صبر کند تا زوج از نداری و عسر خارج شود. دلیل، آیه‌ی ۲۸۰ سوره‌ی بقره^۱ است که حکم به انظار و رعایت

۱. وَ إِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ.

حال معسر می‌کند. دلیل دیگر آیهی ۳۲ سوره‌ی نور^۱ است که فقرا را نیز به نکاح فرا می‌خواند. اگر فقر سبب تملک فسخ نکاح برای زوجه بود، دعوت به ازدواج توجیه‌پذیر نخواهد بود. روایات مختلفی نیز در این باره وجود دارد (طوسی (شیخ)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۱۸).

مرحوم اصفهانی در ملاذ/الاخیر نظر مشهور فقها را چنین بیان می‌کند که اعسار، عیب موجب فسخ نکاح نیست. به نظر ابن ادریس، اعسار زوج فقط قبل از عقد و در صورت علم نداشتن زوجه موجب خیار فسخ است، اما ابن جنید تجدد اعسار را هم موجب خیار فسخ دانسته است. شیخ فخرالدین از بعضی علما نقل می‌کند که حاکم می‌تواند به مفارقت میان زوجین حکم کند (اصفهانی (مجلسی دوم)، ۱۴۰۶: ج ۱۲، ص ۳۹۸). علامه حلی در این باره می‌فرماید: «نه برای زوج و نه برای حاکم حق فسخ وجود ندارد، اما اقرب این است که شوهر حق نگه داشتن زن در خانه را ندارد، بلکه برای زن جایز است که برای کسب مال از خانه خارج شود» (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۷).

ب- پرداخت نفقه زمان اعسار

زمانی که زوج مؤسر شد باید تمام نفقه‌ای را که در زمان اعسار نپرداخته، پرداخت کند. اگر در زمان اعسار نفقه را کم پرداخته باشد برای زوجه حق مطالبه‌ی مابه‌التفاوت وجود ندارد (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۷). ابن حمزه طوسی در این مقام چنین حکم کرده است که در صورت اعسار، زوج به پرداخت نفقه الزام نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۸۶)، اما باید توجه داشت که نفقه‌ی زوجه حتی در زمان اعسار هم بر زوج واجب است. در زمان اعسار، همان‌طور که مراعات حال معسر در دین می‌شود باید مراعات حال زوجه نیز بشود. نفقه‌ی زوجه بعد از دارا شدن زوج ادا می‌شود، همان‌طور که دین ادا می‌شود (صیمری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۷۳). به عبارت دیگر اگر زوجه بر اعسار همسر صبر کند نفقه‌ی وی ساقط نمی‌شود، بلکه به‌عنوان دین برعهده‌ی زوج باقی می‌ماند (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۱۲) همچنین اگر زوجه در چنین مقامی برای نفقه‌ی واجبش از کسی قرض بگیرد، زوج باید قرض را پرداخت کند (همان، ج ۲، ص ۱۰۲).

۲-۲-۲-۲. اختلاف نظر در اعسار زوج در پرداخت نفقه

در صورت اختلاف نظر میان زوج و زوجه مبنی بر اینکه زوج مدعی اعسار در پرداخت نفقه باشد، زوجه وی را تصدیق نکند و مدعی ایسار زوج باشد و زوجه بینه نداشتن باشد، قول زوج با سوگند پذیرفته می‌شود، اما اگر زوج مسبوق به سابقه‌ی ایسار باشد و مدعی تلف مال و اعسار شود و زوجه ادعای وی را انکار کند، زوج باید بینه اقامه کند، در غیر این صورت قول زوج با

۱. وَ اَنْكَحُوا الْاَيَامِي مَنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اِمَانِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ.

سوگند پذیرفته می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۱۹؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۹۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۱۳۰). همین شیوه در دعوی مهریه نیز مجری است. آنچه بیان شد مختصری از بحث اعسار در نفقه در کتب فقهی بود. همچنان که گذشت، سخنی از حبس زوج وجود نداشت. فقط در صورت ایسار زوج و امتناع از پرداخت نفقه سخن از حبس به میان می‌آید که در این مقاله فرض بر اعسار زوج است نه امتناع، بنابراین به بحث امتناع پرداخته نشده است.

۳. اعسار زوج در زمان مطالبه‌ی مهریه در حقوق ایران

طبق صدر ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده، هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصدوده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است (با نظر به بحث اعسار، ادامه‌ی ماده (۲۲) مشمول بحث نیست). با توجه به تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در سال ۱۳۹۴ و نسخ سایر قوانین مربوط به محکومیت‌های مالی پس از تصویب این قانون، تمام بحث حقوقی در این مقام حول محور این قانون خواهد بود.

۵۹

۳-۱. اعسار زوج در ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

موضوع اعسار ذیل ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قرار می‌گیرد، این ماده مقرر می‌دارد:

اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوی اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

جدای از مواردی که برای جلوگیری از حبس در این ماده و تبصره آن و مواد دیگر برای مدیون برشمرده شده است، به‌طور کلی می‌توان گفت که قانون‌گذار حبس معسر را تا مشخص شدن اعسار وی پذیرفته است. این ماده درباره‌ی مدیون مهریه نیز مجری است، درحالی که با نظر به وضعیت خانواده چنین حکمی اصلاً سازگار نیست و البته طبق کتب فقهی نیز هیچ بحثی از حبس زوج در پرداخت دین مهریه مطرح نشده است.

۳-۲. اعسار زوج در ماده (۷) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

ماده (۷) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد:

در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد، اثبات اعسار برعهده اوست؛ مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است. در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد، هرگاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

طبق ماده مذکور پنج فرض برای مدیون معسر برشمرده شده است:

۱. مسبوق به ایسار بودن مدیون؛

۲. معاوضی بودن منشأ دین؛

۳. هر نوع تحصیل مال؛

۴. غیرمعاوضی بودن منشأ دین؛

۵. عدم تحصیل مال.

در این میان، فرض معاوضی بودن منشأ دین از موضوع بحث خارج است، چراکه با ماهیت نکاح هم‌خوانی ندارد. حال سؤال این است که در فروض مختلف ماده (۷) اثبات اعسار برعهده‌ی کدام‌یک از زوجین است و چه تأثیری در ادامه‌ی دعوا و به‌طور خاص حبس زوج دارد.

۳-۳. بار اثبات اعسار زوج طبق ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

با نظر به ماده (۷) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، در دو فرض اثبات اعسار برعهده‌ی زوج و در سه فرض اثبات ایسار برعهده‌ی زوجه است.

مواردی که بار اثبات اعسار برعهده‌ی زوج است عبارت‌اند از:

الف) مسبوق به ایسار بودن مدیون؛ چنانچه زوج در گذشته ملائت مالی داشته، بار اثبات معسر شدنش برعهده‌ی خود او خواهد بود.

ب) هر نوع تحصیل مال؛ به‌نظر می‌رسد، اگر زوج موفق به تحصیل مالی به اندازه‌ی مهریه شده باشد و مال مذکور از مستثنیات دین نیز نباشد، بار اثبات اعسار برعهده‌ی خود او خواهد بود، مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است که در این صورت خواننده دعوای

اعسار - یعنی زوجه - موظف به اثبات ایسار زوج خواهد بود. چنانچه اعسار اثبات نشود، حکم به حبس زوج داده می‌شود.

در موارد زیر اثبات ایسار زوج برعهده‌ی زوجه است:

الف) غیر معاوضی بودن منشأ دین؛

ب) عدم تحصیل مال؛

ج) تحصیل مال و اثبات تلف حقیقی یا حکمی از سوی زوج.

با توجه به ماهیت عقد نکاح مبنی بر غیر معاوضی بودن آن به نظر می‌رسد، چنانچه زوج در گذشته مؤسر نبوده و تحصیل مالی هم نداشته باشد یا در صورت تحصیل مال تلف حقیقی یا حکمی آن را اثبات کرده باشد، بار اثبات ایسار زوج برعهده‌ی زوجه خواهد بود. به این ترتیب در صورت عدم اثبات ایسار زوج از سوی زوجه و عدم احراز ایسار برای دادگاه، ادعای اعسار زوج با سوگند ثابت می‌شود و دیگر نوبت به حبس نمی‌رسد.

این مطلب در قسمت اول نظریه مشورتی ۱۱۱۴/۷ - مورخ ۱۳۹۱/۶/۵ - ۹۱/۲۶/۷۳۴ به شرح

ذیل مطرح شده است:

وضعیت محکوم‌علیه مالی مدعی اعسار از دو حالت کلی خارج نیست یا از نظر اعسار و ایسار معلوم الحال است یا مجهول الحال. در صورت اول، به مقتضای حال او عمل می‌شود مانند کسی که حکم اعسارش قبلاً صادر شده است. در صورت دوم، بنابر نظر مشهور فقها باید قائل به تفکیک شد، به این ترتیب که چنانچه دین ناشی از قرض و یا معاملات معوض باشد و مدیون اکنون مدعی اعسار شده است، بقای مال نزد وی استصحاب و در نتیجه ادعای خلاف آن با ارائه‌ی دلیل از ناحیه‌ی مدعی اعسار باید ثابت شود و تا آن هنگام به‌عنوان بدهکار مامول یا ممتنع حبس می‌شود. در سایر موارد که بدهکار بابت بدهی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مالی اخذ نکرده است -مانند ضمان ناشی از دیات- اصل عدم جاری می‌شود؛ زیرا انسان بدون دارایی متولد می‌شود و دارایی امری حادث است و وجود آن نیاز به دلیل دارد. تنها در این صورت حبس چنین شخصی که اصل، موافق ادعای اوست و تکلیف او به اثبات ادعایش، خلاف شرع بوده و ادعای او با سوگند پذیرفته شود (هرسمی‌نژاد پورفاضل، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

گفتنی است، طبق ماده (۱۰) قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، دادگاه نیز مکلف

است پس از ثبت اعسار فوراً برای روشن شدن اعسار یا ایسار مدعی اعسار اقدام کند.

۳-۴. موارد اجرای حبس در زمان اعسار زوج

بنابر آنچه بیان شد، در بیشتر مصادیق اعسار زوج حرفی از حبس نخواهد بود، بلکه حبس زوج مدعی اعسار از موارد استثنا محسوب می‌شود و فقط در مواردی که اثبات اعسار برعهده‌ی زوج قرار دارد، طبق ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، زوج تا سی روز بعد از ابلاغ اجرائیه فرصت دارد دادخواست اعسار خود را بدهد. درغیراین صورت یا در مواردی که دعوای اعسار زوج مسترد یا رد شده باشد، چنانچه زوج از پرداخت مهریه امتناع کند، حبس خواهد شد. البته در تمام موارد، حبس زوج به درخواست زوجه خواهد بود و دادگاه بدو امکان حکم به حبس مدیون را ندارد.

شاهد این ادعا نظر رئیس محترم قوه قضائیه است که به‌صورت بخشنامه ابلاغ شده است. بخشنامه شماره ۹۱۰۰/۱۵۴۵۸/۱۰۰-۹۱/۴/۳۱ مقرر می‌دارد:

در اجرای ماده (۶) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب ۱۳۷۷ و با توجه به تعبیر «ممتنع» و نیز «در صورتی که معسر نباشد» در ماده (۲) قانون مذکور و نظر به فتوای حضرت امام خمینی «قدس سره» و رهنمودهای اخیر مقام معظم رهبری «*لَا تَزَلُّ*» در همایش قوه قضائیه، بند «ج» ماده (۱۸) آیین‌نامه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به‌شرح زیر اصلاح می‌شود:

ج) در سایر موارد چنانچه ملاتت محکوم‌علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد، از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می‌شود.

تبصره: در صورتی که برای قاضی دادگاه ثابت شود محکوم‌علیه با وجود تمکن مالی از پرداخت محکوم‌به خودداری می‌کند، با درخواست محکوم‌له و با دستور قاضی دادگاه، تا تأدیه محکوم‌به حبس می‌شود.

این بخشنامه عام بوده و شامل تمام محکومیت‌های مالی می‌شود که یکی از موارد آن محکومیت به پرداخت مهریه است، با توجه به آمار روزافزون زندانیان مهریه به‌نظر می‌رسد، این بخشنامه نیز در عملکرد قضات مؤثر نبوده است. مؤید این ادعا بیان رئیس قوه قضائیه در ابتدای بخشنامه شماره ۹۱۰۰/۳۴۸۵۹/۱۰۰ در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۲ است:

نظر به برخی گزارش‌های واصله تعدادی از محکومین تأدیه مهریه براساس تعداد سکه طلای تعیین شده به جهت افزایش غیرمتعارف قیمت آن توان پرداخت را نداشته و به همین دلیل در اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به زندان معرفی می‌شوند.

بدین وسیله مقرر می‌دارد، ترتیبی اتخاذ شود تا دادگاه‌ها به‌صورت خارج از نوبت و بدون تعیین وقت رسیدگی نسبت به درخواست تعدیل که از سوی زوج تقدیم می‌شود رسیدگی و مهلت‌های تأدیه سکه را متناسب با وضعیت مالی محکوم‌علیه افزایش داده تا بدین ترتیب از زندانی شدن آنان جلوگیری به عمل آید.

متن بخشنامه حاکی است که به‌زعم ناتوانی پرداخت زوج، به حبس وی حکم داده شده است، درحالی که در این موارد شایسته است ابتدا فحص و بررسی انجام شود و پس از اثبات امتناع، به حبس زوج حکم داده شود.

شاید این نحوه‌ی برخورد با مدعیان اعسار، به تبصره ماده (۶۹۶) قانون تعزیرات بازگردد و‌گرنه از مواد قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۹۴ و بخشنامه‌ی مذکور چنین مطلبی به‌دست نمی‌آید. ماده ۶۹۶ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد:

در کلیه مواردی که محکوم‌علیه، علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید، در صورت تقاضای محکوم‌له، دادگاه با فروش اموال محکوم‌علیه، به‌جز مستثنیات دین، حکم را اجرا یا تا استیفای حقوق محکوم‌له، محکوم‌علیه را بازداشت خواهد نمود. تبصره: چنانچه محکوم‌علیه، مدعی اعسار شود، تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به‌صورت تقسیط، بازداشت ادامه خواهد داشت.

در هر صورت قانون مرجع در این مقام، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است؛ لذا بهتر است قوانین مربوط به اعسار تجمیع و یکسان‌سازی شود.

لازم به ذکر است که ظاهراً در آن بخش از موارد مطالبه‌ی مهریه که اثبات ایسار برعهده‌ی زوجه است و اجرائیه ابلاغ می‌شود نیز زوج باید طبق ذیل ماده (۳) و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی عمل کرده و دادخواست اعسار تنظیم کند و هرگونه تأخیر از سی روز مهلت مقرر موجبات حبس زوج را فراهم خواهد آورد. با توجه به اهمیت خانواده و تحکیم آن و همچنین ارتباط مستقیم پرداخت مهریه و اعسار زوج به‌نظر می‌رسد، چنانچه موضوع اعسار زوج جداگانه قانون‌گذاری؟؟؟؟

و رسیدگی به آن ضمن پرونده مطالبه مهریه انجام می‌شد نه با دادخواستی مجزا، قانون مذکور در رابطه با خانواده کارگشایتر و به اهداف قانون‌گذار نزدیک‌تر می‌نمود.

نکته‌ی آخر اینکه در صورت فرض حبس برای مدعی اعسار، بنابه فرمایش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حبس مدعی اعسار لزوماً زندانی کردن وی نیست - این نوع برخورد با مقتضیات خانواده

نیز همخوان تر است - ایشان در این باره می فرماید:

حبس بدهکار مدعی اعسار به معنای زندانی کردنش نیست، بلکه به معنای تحت نظر قرار دادن وی از طریق منع خروج از حوزه قضایی دادگاه مربوطه و یا توقیف وی یا ممنوع معامله ساختن وی جهت بررسی صحت و سقم ادعایش است و در هر صورت هیچ یک از طرق یاد شده موضوعیت ندارد، بلکه احتیاط بر حفظ حق طلبکار تا روشن شدن وضع مالی بدهکار است که قاضی موظف است بدون فوت وقت از طریق ممکن جهت کشف حال بدهکار اقدام نماید و اگر غرض از تحت نظر داشتن بدهکار تا کشف حقیقت از کفیل گرفتن حاصل شود می تواند به جای حبس از او کفیل بگیرد (گرامی و فروغی، ۱۳۹۵: ۱۰ و ۱۱).

جمع بندی و نتیجه گیری

طبق کتب فقهی نه تنها حبس مدیون معسر جایز نیست، بلکه حکم به رعایت حال معسر تا بدانجاست که مطالبه‌ی دین از وی نیز حرام دانسته شده است و حتی برای جلوگیری از حبس وی چنین فتوا داده شده است که شهادت بر وجود دین علیه معسر حرام است و بالاتر از آن اینکه سوگند به انکار حق دائن را نیز برای جلوگیری از حبس جایز دانسته اند.

بنابر نظر فقها، رسیدگی به دعوای اعسار فوری است. به نظر می رسد چنانچه رسیدگی فوری به دعوای اعسار امکان پذیر نباشد، دست کم باید تا مشخص شدن معسر از ممتنع از حبس مدعی اعسار جلوگیری شود و یا در نهایت میان زوج با سابقه‌ی ملاتت و زوج بدون سابقه‌ی ملاتت، تفاوت قائل شد و فقط به زوج با سابقه‌ی ملاتتی که نتوانسته تلف اموالش را اثبات کند، حکم حبس داده شود. در کتب فقهی و قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی برای اثبات اعسار به سبب دین و سابقه‌ی ملاتت مدعی اعسار استناد شده است که می توان احراز وضعیت مدعی اعسار را بدین وسیله تسریع کرد.

طبق نظر فقها و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اگر زوج سابقه‌ی ملاتت نداشته باشد نوبت به حبس نمی رسد، مگر آنکه ایسارش اثبات شود و اگر سابقه‌ی ملاتت داشته باشد و نتواند تلف اموالش را ثابت کند، با اقرار زوجه به اعسار زوج حبس جایز نخواهد بود. شهادت افراد مطلع از باطن زندگی زوج مبنی بر اعسار وی با سوگند زوج نیز پذیرفته می شود. تنها موردی که حبس زوج را جایز می کند، سابقه‌ی ملاتت و نبود بینه بر اثبات تلف اموال از سوی زوج است که آن هم با وجود علم قاضی مبنی بر اعسار زوج، حبس وی منتفی می شود. در مواردی که زوج سابقه‌ی ملاتت نداشته باشد، بار اثبات ایسار بر عهده‌ی زوجه است. در این حالت اگر زوجه نتواند ایسار زوج

را اثبات کند، زوج با سوگند معسر شناخته شده و دیگر نوبت به حبس نمی‌رسد. با این بیان، در عمل زندانیان مهریه باید به حداقل برسند نه اینکه هر روز بر آمار آنها افزوده شود.

نظر به اینکه قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ موضوع حبس زوج معسر را به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ارجاع داده است، این قانون حرکت مثبتی در مسیر تحکیم روابط زوجین نداشته است، اما اصلاح آیین‌نامه قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و همچنین بخشنامه‌ی رئیس قوه قضائیه - که در متن مذکور است - تحول مثبتی در این باره محسوب می‌شود.

پیشنهاد

۱. در کتب فقهی در موضوع مطالبه‌ی دین مهریه از زوج سخنی از حبس به‌میان نیامده است. به‌نظر می‌رسد، درباره‌ی مطالبه‌ی مهریه، قانونی مجزا از قانون سایر دیون قانون‌گذاری شود و ضمانت اجرایی تعیین شود که با شرایط خانواده و تحکیم روابط زوجین متناسب باشد.

۲. در موارد تردید و شبهه در موضوع اعسار زوج - که مربوط به خانواده است - دادگاه نیز به فحص و بررسی مکلف شود تا هرچه سریع‌تر و بنا به حق، پرونده مختومه و زندگی زوجین به روال عادی بازگردد.

۳. سازوکاری تعیین شود که از طریق آن به‌دست آوردن اطلاعات مالی واقعی افراد مدیون از طرف دادگاه با سهولت و سرعت امکان‌پذیر باشد تا از این طریق هم امکان مختومه کردن پرونده تسریع شود و هم در مواردی که اثبات ایسار زوج برعهده‌ی زوجه قرار می‌گیرد امکان رعایت حق وی نیز ایجاد شود، چون اثبات اموال زوج از امور بسیار سخت محسوب شده و در بسیاری موارد عامل تضییع حق زوجه می‌شود.

۴. در راستای ارائه‌ی راهکار عملی، برخی به پرداخت نقدی مهریه در زمان انعقاد عقد اشاره کرده‌اند (عباسی‌فرد، آهنگری، پاشازاده و بهزادی، ۱۳۹۵: ۶۴). این طرح با مبانی فقهی سازگار است و برای تحکیم روابط زوجین نیز کارگشا خواهد بود و در غالب موارد می‌توان خوشبین بود که بنا به توان مالی زوج بر مهریه توافق خواهد شد و به این ترتیب دیگر نوبت به حضور در دادگاه و حبس زوج نخواهد رسید.

۵. راهکار دیگر تقسیط مهریه از زمان انعقاد عقد و الزام زوج به پرداخت آن است. به این ترتیب که تعیین قسط‌ها به توافق زوجین باشد و در دفتر ثبت در زمان عقد ثبت شود.

منابع

- ◀ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱.
- ◀ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۹۴.
- ◀ اصفهانی (فاضل هندی)، محمدبن حسن، ۱۴۱۶. کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۶. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ◀ امامی، سید حسن، بی تا. حقوق مدنی، تهران: اسلامیه.
- ◀ انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵. القضاء و الشهادات، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ◀ بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ بغدادی، (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳. المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (رحمة الله علیه).
- ◀ تبریزی، جواد بن علی، بی تا. استفتائات جدید، قم: بی نا.
- ◀ تیممی مغربی، ابوحنیفه، ۱۳۸۵. دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ◀ حسینی حلبی (ابن زهره)، حمزة بن علی، ۱۴۱۷. غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- ◀ حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۷. منهاج الصالحین، قم: دفتر حضرت آیه‌الله سیستانی.
- ◀ حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، ۱۴۱۹. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، ۱۴۰۳. الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- ◀ حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۰. إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ _____، ۱۴۱۳. قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ _____، ۱۴۲۰. تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- ◀ حلی (محقق)، نجم الدین، ۱۴۰۸. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان.
- ◀ حلی، محمد بن منصور بن احمد ابن ادریس، ۱۴۱۰. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ◀ خوانساری، سید احمد بن یوسف، ۱۴۰۵. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان.
- ◀ سبزواری (محقق)، محمدباقر بن محمد مؤمن، ۱۴۲۳. کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ سبزواری، سید عبدالأعلى، ۱۴۱۳. مهذب الأحكام، قم: المنار.
- ◀ صیمری، مفلح بن حسن (حسین)، ۱۴۲۰. غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دارالهادی.
- ◀ طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ۱۴۱۸. ریاض المسائل، قم: آل‌البيت (عج).
- ◀ طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷. المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- ◀ _____ ۱۴۰۰. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی.
- ◀ _____ ۱۴۰۷. الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ طوسی، محمد بن علی بن حمزه، ۱۴۰۸. الوسیلة إلى نیل الفضیلة، قم: کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی (عج).
- ◀ عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، ۱۴۱۰. اللمعة اللمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت: دارالتراث - الدارالإسلامیة.
- ◀ _____ ۱۴۱۴. غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ◀ _____ ۱۴۱۷. الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۳. مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: المعارف الإسلامیة.
- ◀ عباسی فرد، محمدرضا، بهزاد آهنگری، حسن پاشازاده و هادی بهزادی، ۱۳۹۵. «تحولات و نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مورد مهریه»، مبانئ فقهی حقوق اسلامی، دوره ۹، ش ۱۸.
- ◀ فیض کاشانی، محمد محسن، مفاتیح الشرائع (بی‌تا)، قم: کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی ره.
- ◀ کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، ۱۴۱۴. جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل‌البيت (عج).
- ◀ کیدری، قطب‌الدین، ۱۴۱۶. إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قم: امام صادق (عج).
- ◀ گرامی، حسین و محمد فروغی، ۱۳۹۵. شرح ماده به ماده قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، تهران: جنگل، جاودانه.
- ◀ موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، ۱۴۱۹. القواعد الفقهیة، قم: الهادی.
- ◀ موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیلة، قم: دارالعلم.
- ◀ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰. منهاج الصالحین، قم: مدینه‌العلم.

◀ نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ▶ نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۵. مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: آل البیت (علیهم السلام).
 ▶ هرسمی نژاد پورفاضل، نسیم، ۱۳۹۵. محشای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، تهران: جنگل، جاودانه.

◀ پایگاه ستاد دیه

(<http://www.ipro.ir>)

◀ پایگاه دیده بان

(<http://didban.ir>)

◀ پایگاه خبر آنلاین

(<https://www.khabaronline.ir>)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی